

روایت‌هایی از حمله ارتش سرخ روسیه به شمال خراسان در شهریور ۱۳۲۰ که به بمباران، تصرف مشهد و حضور چهارساله قوای متفقین منجر شد

سرخ؛ رنگ آخرین اشغال مشهد



ستون اعزامی سربازان ارتش سرخ به مرزهای شمالی ایران/ ۲۵ مرداد ۱۳۲۰

تصویر برگرفته از کتاب «دسیسه‌های نازی هادر ایران» چاپ سال ۱۹۴۱تقلیس است

است: «اول آفتاب ۹فروند طیاره ارتش شوروی وقدری بعد ۳۵طیاره دیگر به فراز مشهد آمده پس از بمباران میدان ضدطیاره (پدافند ضد هوایی در میدان ضد فلی) و اطراف سربازخانه‌های لشکر ۹(پادگان فلی) وغیره، مقارن ظهر مراجعت نموده ومجددا از ساعت ۱۵ همان روز تا مقارن غروب عمل را تجدید و به اطراف سربازخانه‌ها ونقاط کنار شهر مقداری بمب ریخته شده وروز ۶/۶/۱۳۲۰ نیز عده ای از طیارات شوروی به فراز مشهد آمده، باتکرا ر عملیات روز ۶/۵/۱۳۲۰ مراجعت نمودند که غروب ۶/۶/۱۳۲۰ بنابه امر مرکز لشکر ۹ شرق به سمت تهران عقب نشینی وعده (افراد) (شهربانی نیز بر حسب دستور تیمسار محتشمی فرمانده لشکر، عده خود را جمع آوری وبرای عقب نشینی در معیت هنگ توپخانه عازم گردیده، پس از مختصر راهپیمایی، چون امر ثانوی رسیده بود که مأمورین ادارات کشوری در کار خود باقی باشند، عده شهربانی به شهر مراجعت و در شهربانی وقسمت‌های مربوط به کار مشغول شدند. تا اینکه مقارن ظهر روز ۶/۷/۱۳۲۰ قوای موتور یزو پیاده وسوار و آتشبارهای شوروی به مشهد وارد شده ساختمان های ستاد لشکر و سرباز خانه‌ها و شهربانی را متصرف و در حدود شصت نفر از افراد و سرباسیان هاو پاور ی های شهربانی را بازداشت نموده ،

● **مشهد بمباران شد، روزنامه ها سانسورا**
نیروی هوایی ارتش شوروی که ۴۰ فروند از هواپیماهای خود را به شهر هودان ،در جنوب ترکمنستان (شهری در مقابل مرز باجگیران) منتقل وانچارا مرکز تدارکات نظامی خود کرده است، هواپیماهای بمب افکن را سوخت گیری وبمب گذاری می کند تا خاک خراسان را بمباران کنند. اگر چه فرمانده لشکر به هنگ هوایی و آتشبار ضد هوایی دستور مقابله می دهد، نه پدافند ضد هوایی لشکر که گویا فقط ۳۰۰ گلوله در اختیار دارد کاری از پیش می برد و نه چند هواپیمای فرودگاه که چند تای آن ها از کار افتاده هستند و یکی نیز در حمله هواپیماهای روسی منهدم شده است.

بمب افکن های پیشرفته روسی در این دوروز به صورت دسته های ۵ تا ۲۰ فروندی به مشهد حمله می کردند و چون پاسخی از توپخانه ضد هوایی منهدم شده نمی دیدند، در ارتفاع پایین، برخی نقاط شهر را نیز به مسلسل می بستند، در جریان این بمباران ، عده ای از مردم مشهد کشته وزخمی می شوند اما متأسفانه از آمار آن ها هیچ عددی نیست، زیرا با استقرار قوای مهاجم

خود رهای موجود در ارتش ایران ۵۵۲ دستگاه است واز آنجا که لشکر شرق مانند سایر لشکرها فاقد وسایل نقلیه موتوری کافی است، برای حمل نفرات وتجهیزات خود به جمع آوری اتوبوس و کامیون از خیابان های شهر اقدام می کند اما برخی رانندگان کامیون ها و اتوبوس ها که به شدت به اتومبیل خود دل بستگی دارند، با شنیدن این اخبار احساس خطر می کنند و وسایل نقلیه خود را اینچر کرده با چرخ های آن را با می کنند. این گونه است که قبل از اینکه ستون اول لشکر خراسان به مزدوران برسد، یک گروهان سربازان پیاده نظام لشکر در این منطقه با قوای شوروی درگیر می شوند. این گروهان در واقع باقی مانده یکی از هنگ های پادگان مشهد است که چند روز پیش برای انجام مانور، تابستانی به منطقه مزدوران اعزام شده بود و به عنوان مأمور جمع آوری اثاثیه لوازم اردو کشی هنوز در منطقه حضور داشت. صبح روز پنجم شهریور ۱۳۲۰ این گروهان با قوای موتور یزه شوروی درگیر می شود و آن قدر مقاومت می کند که ستون اعزامی مشهده به فرماندهی سرهنگ محمود دولوبه منطقه می رسد و به اتفاق جلقوای مهاجم ارمی گیرند. دفاع نیروهای لشکر جاتانه است اما محلات هوایی وتوپخانه روس ها ونرسیدن مهمات وسایل نیازمندی های سربازان سبب می شود که آن هادر تاریکی شب به کوهستان های اطراف پناهنده شوند. در همین زمان، فرمان ترک مخصوصه از سوی دولت به دست فرماندهان می رسد ونیروهای مدافع از جمله ستونی که به سمت باجگیران اعزام شده بود، همه به سوی مشهد عقب نشینی ونزدیک اخلمه موضع گیری می کنند. در تلگراف گفته می شود که عقب نشینی انجام وترک مقاومت شود، و، لشکر با استفاده از جاده سبزواریا ازهرمحوری که صلاح است به سمت تهران حرکت کند ،

● **وحشت آسمان مشهد از طیاره های روس**
هم زمان با پیشروی نیروهای مکانیزه ارتش شوروی، هواپیما های روسی نیز به مشهد حمله می کنند. شهرداری مشهد برای کاستن از خطر حملات هوایی در ای های که به تاریخ ۶/۵/۱۳۲۰ منتشر می کند، چنین می نویسد: «نظر به مقتضیات که وضعیت فعلی ایجاد می کند بدین وسیله با اطلاع اهالی شهر می رساند که تا اخطار ثانوی روشن نمودن چراغ پاساير وسایل روشنایی در منازل ومعارض به هیچ وجه جایز نبوده و پنجره ها باید طوری به وسیله پرده مستور باشد که کوچک ترين آثار روشنایی از بیرون دیده نشود».

شهربانی مشهد هم این حملات را این گونه گزارش کرده

بیات حمله لشکرهای روس وانگلیس به کشور بی طرف ایران در میانه جنگ جهانی دوم به بهانه دروغی چون حضور و فعالیت جاسوسان واتباع آلمانی صورت می گیرد. نمایندگان این دولت ها که درگیر جنگ با هیتلر بودند، صبح سوم شهریور ۱۳۲۰ هر کدام طی یادداشتی، اقدام، و «ورود، خود را به اطلاع علی منصور، نخست وزیر ایران، می رسانند. «ورود، آن ها اما هیچ شباهتی به ورودندارد و در واقع یک حمله و تجاوز تمام عیار است. قوای روس که با سه ستون از مرزهای سرخس، لطف آباد و شلیگان به کشور حمله کرده بودند، همگی عازم مشهد می شوند. آن هادر طول مسیر، مقاومت های پیش روی خود را در هم می شکنند و با توجه به صدور فرمان ترک مقاومت لشکر ها از سوی دولت، در عصر هفتم شهریور بدون هیچ مقاومتی از دو سمت وارد مشهد می شوند.

● **بیرون مشهد؛ پیش از «ورود»!**

مردم مشهد ومقامات استانی تا عصر روز سوم شهریور از حمله قریب الوقوع روس هایی خبر هستند تا اینکه تلگرافی از وزارت کشور به استانداری می رسد. ولی ...! پاکروان ، استاندار خراسان، به محض دریافت تلگراف، به ملاقات سرلشکر محتشمی، فرمانده لشکر، می رود اما فرمانده لشکر پاسخ صریحی ندارد. صبح چهارم شهریور استاندار به منزل سرلشکر محتشمی می رود تا برای بار دوم کسب تکلیف کند. سرلشکر محتشمی که بین مردم و افراد لشکر به دین داری شهرت دارد، در مقابل اصرار استاندار، استخاره ای می کند و می گوید: «نگران نباشید، طبق خبرهایی که بعدا رسیده است، مشغول مذاکره برای رفع سوء تفاهم هستند. ان شاء ...! اصلاح می شود».

دفاع از مشهد و استان خراسان بر عهده لشکر ۹ پیاده ایران است که آن روزها شامل شش هنگ بود، دو هنگ پیاده و دو هنگ سوار در مشهد، یک هنگ سوار در بیرجند و یک هنگ ۲۸ پیاده در تربت جام (که به تازگی به لشکر ۱۸ تبدیل شده بود). لشکر ۹ شرق، ماه قبل مانور سالانه اش را در مرز شوروی برگزار کرده بود اما آن ها پیاده نظام سبک بودند، به همین دلیل با مختصر تجهیزات نظامی وقوای هوایی خود عید بود که در برابر نیروهای پر شمار شوروی کاری از پیش ببرند. ضمن اینکه در آن سال، تعداد کل



روایتی از فرمانده سرلشکر محمد حسین محتشمی، فرمانده لشکر ۹ شرق وقتی مشهد خلع سلاح شد



کروه تاریخ و هویت

در آن روزها مطبوعات و افکار عمومی، سرلشکر محمد حسین محتشمی، فرمانده لشکر ۹ شرق را به دلیل عقب نشینی و خروجش از مشهد ملامت می کردند. در نهایت او در پاسخ به این سرزنش ها و، به منظور استحضار عموم وحفظ سابقه سی سال خدمتش، گزارشی تنظیم می کند که در روزنامه اطلاعات به چاپ می رسد.

«در حادثه شهریور، سه ماه قبل از آن، از مشهد که این جانب فرماندهی لشکر آن را بر عهده داشتم، به ستاد ارتش گزارش دادم که نیروی شوروی در مرزهای حدود خراسان مشغول تقویت و تکمیل پاسگاه های مرزی از لحاظ عده و تمرکز عده زیاد در بعضی نقاط مجاور مرز وتیه و وسایل دفاعی از هر قبیل است وتقاضا نمود اجازه داده شود لشکر خراسان، مواضع حساس مرزی را تحکیم نماید و همچنین مقداری مهمات و وسایل دفاعی ارسال دارند، ولی متأسفانه به پیشنهاد و گزارش های لشکر به هیچ وجه توجهی به عمل نیامد و اساسا تکلیفی تعیین نگردید. تا روز سوم شهریور که نیروی متفقین داخل ایران شدند، باز هم در آن موقع از مرکز اطلاع و دستوری نرسید و بنده فقط به وسیله رادیهایی خارجی کسب اطلاع نمودم. با ذکر این مقدمه مسلم خواهد بود که از طرف دولت وقت به هیچ وجه توجهی نشده و قبل از انقضای فرصت، تکلیفی برای لشکر اعم از مقاومت و یا ترک مقاومت تعیین نگردیده و لشکر نسبتا پنداشتن هیچ گونه وسایلی در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته است. عده کلیه افراد لشکر در حوزه وسیع خراسان که ۷۵۰ کیلومتر مرز دارد، به استثنای پادگان های بجنورد و تربت جام که هر کدام از آن ها با دیگری متجاوز از پنجاه الی صد فرسخ فاصله داشت و به هیچ وجه نمی توانست کمک مؤثری بنماید، در وظیفه جمعاع شهر مشهد پس از وضع مأمورین قراولی و املاک اختصاصی و تعقیب سارقین و مأمورین نظام در حدود ۲۴۰۰ نفر پیاده بیش نبود که آن هم فاقد همه گونه وسایل بود و حتی گاری اسبی هم جهت حمل خواربار وجود نداشت. با این وصف، ساعت ۵صبح روز پنجم شهریور که ابتدا از مرزهای سرخس وباجگیران وبعدا از تمام نقاط مرزی، نیروی موتور یزه شوروی وارد گردید، لشکر نهم با مختصر وسایل حاضر که مثلا ۲۵۰ تیر توپ ضد هوایی و ۱۴ هواپیما که چند تای آن مشقی وبقیه در مقابل طیارات شوروی غیر قابل استفاده بود و حتی یک تانک هم نداشت، تصمیم گرفت تا واصل دستور از مرکز جدا مقاومت نمایند و چنانچه به پرونده امر توجه شود، مسلم خواهد شد که در آن موقع با عدم وسایل، صرفا روی ادای وظیفه قلیل سر باز پیاده در مقابل قوای موتور یزه شوروی وزیربمباران های شدید هوایی، مقاومت هم به عمل آمده است. تا پس از ووصول چند دستور متناقض ومتضاد از قبیل مقاومت وترک مقاومت، عقب نشینی، تحویل وعدم تحویل اسلحه که معلوم نبود لشکر چه باید بکند. بالاخره در ساعت ۳بعد ازظهر هفتم شهریور، تلگرافی رسید که به موجب امر شاهانه، لشکر در مقابل قوای شوروی خلع سلاح گردد که در نتیجه ارتش شوروی اسلحه واحدها و ذخیره موجود در مشهد را تحویل، افسران را بازداشت وافراد (سربازان) را مرخص نمودند و با نتیجه، افراد فراری، و لشکر خراسان منحل گردید. با این حال، قضاوت امر را به احساسات وافکار عمومی واگذار می کنم که با این وضع، فرماندهی لشکر چه می توانست بکند، آیا بایک عده قلیل سرباز پیاده چه اقدامی میسر بوده که انجام نشده است و آیا با توجه به اوضاع و اختلافاتی که در تهران پیش آمده بود وافراد لشکرهای پادگان پایتخت را مرخص ومتفرق نموده بودند، فرمانده لشکر که در نقاط دور دست به انتظار تعیین تکلیف از مرکز نشسته، چه مسئولیتی دارد؟»

روایت یک سرباز

ما را رها کردند تا هر جا که می خواهیم، برویم

استوار حسن باقرنیابرای جلوگیری از تهاجم ارتش سرخ، همراه لشکر ۹ شرق به گردنه مزدوران عازم می شود اما پس از چند ساعت ورسیدن فرمان ترک مقاومت وبازگشت، به مشهد برمی گردد. او حا و هوای مشهد را این گونه روایت می کند: «ساعت یک بعد از نیمه شب به مشهد رسیدیم. دیدم که در خیابان سپه (بهار) همه واحدهای لشکر از مقابل بیمارستان شاهرضا تا چهارراه لشکر ایستاده اند. همان شب دستور دادند که به طرف تربت حیدر به عقب نشینی کنیم، شبانه با کامیون واتوبوس حرکت کردیم. وقتی نزدیک پاسگاه شاه تقی رسیدیم، تازه آفتاب طلوع کرد. تا این موقع، از دید هواپیماهای شناسایی روس در امان بودیم؛ با روشن شدن هوا جای ما معلوم شد. دو هواپیمای یک موتور ه روسی که خلبان یکی از آن ها زن بود، در ارتفاع پایین در آسمان پیدا شدند، واز پشت به سوی ما شین هتیراندازی کردند. در این تیراندازی، چهار نفر از سربازان که در عقب اتوبوس نشسته بودند، تیر خوردند و کشته شدند. وقتی به کافر قلعه رسیدیم، جنازه آن سربازان را در مقابل قهوه خانه ای (قهوه خانه دلبران) گذاشتند. ساعت دو عصر به تربت حیدر یه رسیدیم، سرلشکر محتشمی (فرمانده لشکر) همه سربازان را مرخص کرد و به همه افراد دستور داد که سلاح خود را در کال (دره) بربزنند. ما همین کارا کردیم. بعضی از سربازان تنگ هایشان را با خود بردند. کسی به کسی نبود. ما را رها کردند تا به هر جا که می خواهیم، برویم.»

شهر

SHAHRAANEWS.IR
۲شنبه
۷ شهریور ۱۳۸۱
۱۵ مهر ۱۳۴۴
شماره ۲۳۷۷

۱۵
تاریخ و هویت